



اهتمام مولفان تفسیر «کاشف» به فهم روابط درونی آیات و پیوستگی معانی یک سوره

مدیر گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم، تفسیر کاشف را تفسیری ترتیبی می‌داند که آیات را بر اساس غرض اصلی هر سوره تفسیر کرده است، به عقیده وی، دشواری این هدف باعث شده است که انتشار این تفسیر با کندی پیش رود.

مدیر گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم، تفسیر کاشف را تفسیری ترتیبی می‌داند که آیات را بر اساس غرض اصلی هر سوره تفسیر کرده است، به عقیده وی، دشواری این هدف باعث شده است که انتشار این تفسیر با کندی پیش رود.

تفسیر کاشف با عنوان فرعی توصیفی از چهره موزون سور قرآن و روابط آیات، توسط سید محمدباقر حجتی و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی تالیف شده است. این تفسیر ابتدا پیام اصلی هر سوره را بیان کرده و آنگاه به تقسیم موضوعی آیات سوره پرداخته است. همچنین این تفسیر کوشش کرده است تا از نقشه و عکس نیز استفاده کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا مودب، مدیر گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) در خصوص تفسیر کاشف گفت: مبنای نویسندگان تفسیر کاشف مبنی بر تفسیر قرآن بر اساس اغراض سوره‌ها بیشترین نقدها را به خود معطوف کرده است. منتقدان معتقدند با این مبنا که ابتدا اغراض سوره‌ها پیدا شده و بعد سوره‌ها تفسیر شود، کار این تفسیر پایان نخواهد یافت.

مودب در پاسخ به این پرسش که تفسیر کاشف در کدام یک از جریان‌های تفسیری معاصر قرار می‌گیرد، گفت: تفاسیر بر اساس اسلوب مختلفی نوشته می‌شوند که از این جمله می‌توان به دو اسلوب ترتیبی و موضوعی اشاره کرد که اسلوب ترتیبی پیشینه زیادی دارد و اسلوب موضوعی در دوران معاصر مطرح شده است. تفسیر کاشف تفسیری ترتیبی به حساب می‌آید.

وی ادامه داد: همچنین می‌توان تفاسیر معاصر را از منظر روش تقسیم بندی کرد. از جمله روش‌های تفسیر قرآن می‌توان به روش قرآن به قرآن، روایی، کشفی و شهودی و جامع اشاره کرد. در روش جامع، مفسر می‌کوشد از مستندات آیات، روایات، کشف و شهود و عقل استفاده کند. به نظر می‌رسد تفسیر کاشف از روش جامع استفاده کرده و کوشیده است از آیات، روایات، خردورزی، تاریخ و لغت کمک بگیرد.

مدیر گروه قرآن و حدیث دانشگاه قم تصریح کرد: همچنین برخی از تفاسیر قائل به این هستند که سوره‌ها اغراض خاصی دارند و هر سوره واحدی متمایز و آیات با هم تناسب دارند و برخی از تفاسیر نیز این گونه نیستند و قرآن را آیه به آیه ترجمه کرده و سوره‌ها را یک واحد پیوسته و مستقل نمی‌بینند. در میان تفاسیر معاصر، تفسیر علامه طباطبایی و سید قطب از نوع اول هستند، اما اغلب مفسران در دوران معاصر چنین نظری ندارند. از این منظر، تفسیر کاشف به کشف روابط درونی آیات و پیوستگی معانی یک سوره توجه می‌کند.

مودب در پاسخ به این پرسش که تفسیر کاشف به چه میزان از سنت و عقل بهره‌گیری کرده است، گفت: تفسیر کاشف به کشف روابط آیات با یکدیگر پرداخته و تلاش کرده است تا از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده کند. مفسران کوشش کرده‌اند روابط آیات را به کمک هم و در درون سوره نظر بگیرند. ایشان معتقدند هر سوره از مجموعه‌های کوچک‌تری تشکیل شده است که با هم پیوند دارند.

وی ادامه داد: در برخی موارد، مفسران از روش روایی استفاده کرده‌اند و به سراغ تفاسیری مانند نورالثقلین و البرهان رفته‌اند، اما به نظر می‌رسد، این مراجعه چندان پررنگ نیست و مفسران در این خصوص معتقدند که خود آیات بیشتر می‌تواند در تفسیر قرآن مورد استفاده قرار بگیرند.

این استاد دانشگاه در پاسخ به این پرسش که دغدغه مفسران چه بوده است، گفت: دغدغه مفسران کشف روابط معانی آیات است، ایشان معتقدند هر سوره‌ای بر اساس غرضی خاصی نوشته شده است و تلاش کرده‌اند، اغراض سوره را از هم جدا کنند. برای مثال، سوره حمد را فهرست مطالب اساسی قرآن نامیده‌اند، در خصوص سوره بقره آیات را به شش گروه تقسیم می‌کنند، اما هر شش گروه را مرتبط با غرض محوری این سوره یعنی تقوا و نیکوکاری می‌دانند. در سوره آل عمران غرض اصلی را تاویلات الهی ذکر می‌کنند. سوره نسا را حول محور نظام خانواده و جامعه مورد توجه قرار داده و در خصوص سوره مائده معتقدند که موضوع اصلی انتقال عهد به مومنان بوده و محور این سوره را ولایت عنوان می‌کنند. ایشان بر آنند که سوره انعام حول مسائل اعتقادی است.

وی ادامه داد: دریافت اغراض سوره‌ها دغدغه بسیار ارزشمندی است. البته اینکه آیا اغراضی که مفسران برای سوره‌ها عنوان کرده‌اند مورد قبول دیگران است و یا نه مطلب دیگری است. شاید بتوان دلیل کندی شدن روند چاپ جلد‌های دیگر این تفسیر را در دشواری این دغدغه و هدف دانست. مفسران بر اساس مبنایی که انتخاب کرده‌اند، باید برای هر سوره غرضی مشخص کنند که با غرض سوره‌های دیگر متمایز باشد، از این رو مفسران باید 114 غرض متفاوت را ارائه نمایند که در کل کتاب هدایت بودن قرآن را نیز ثابت کند و این کار بسیار دشواری است. خصوصاً در مواردی اغراض سوره با آیات سوره تفاوت دارند و حل این

تعارض بین آیات و اغراض دشوار است.

مودب در پاسخ به این پرسش که چه نقدهایی به این تفسیر شده است، گفت: مبنای مفسران مبنی بر تفسیر قرآن بر اساس اغراض سوره‌ها بیشترین نقدها را به خود معطوف کرده است. منتقدان معتقدند با این مبنا که ابتدا اغراض سوره‌ها را پیدا شده و بعد سوره‌ها تفسیر شود کار این تفسیر پایان نخواهد یافت.

وی در خصوص توجه مفسران مسائل اجتماعی، گفت: این دو بزرگوار به دنبال حل مشکلات و مسائل اجتماعی بودند و وقتی به آیاتی برخوردند که مربوط به مشکلات اجتماعی است، تلاش کرده‌اند که با بیان ارتباط بین آیات، توضیح اشعار و ارائه جداول و تصاویر خواننده را جذب کنند تا بتواند از آیات استفاده کند. البته من فکر می‌کنم شاید در تفاسیری مثل نمونه و المیزان این کار بهتر انجام شده است.

مودب در خصوص مبانی تفسیر کاشف عنوان داشت: این دو مفسر بزرگوار در آغاز جلد اول برخی مقدماتی در خصوص روش و هدف کار خویش مطرح می‌کنند. به نظر مولفان تفسیر کاشف در مقام کشف آیات مرتبط با هم، موضوعات و محورهای اساسی سوره‌های قرآن، متشابهات و محکمت‌ها، کلمات کلیدی، چهره موزون قرآن و برخی معجزات علمی در حوزه علوم تجربی است. وی در پایان گفت: در این تفسیر در موارد زیادی از تفاسیر اهل سنت و شیعه از جمله روضة الجنان، مجمع البیان اقتباس شده و این نشانه آن است که مفسران به تفاسیر دیگر نیز اعتماد داشته‌اند. مفسران معتقدند ترتیب نزول آیات امر مهمی است و در کشف این که ضابطه آیات چه بوده است، به خصوص در فهم موضوعاتی مانند حج، جهاد و امر به معروف نقش مهمی می‌تواند داشته باشد.